



مدیر، رهبر محیط یادگیری

دکتر علی خلخالی، دانشیار مدیریت آموزشی

کلیدواژه‌ها: محیط یادگیری، سنجش، مستندسازی، انعطاف‌پذیری

تعریف محیط یادگیری

سازه «محیط یادگیری» در موقعیت مدرسه‌ای اشاره به موقعیت، بافت و خرده فرهنگ‌های متنوعی دارد که در آن، معلمان فرصت رشد حرفه‌ای و دانش‌آموزان فرصت یادگیری دارند. از آنجا که در دنیای امروز معلمان و دانش‌آموزان در محیط‌های گسترده و متنوع خارج از موقعیت مدرسه‌ای و در محیط‌های بیرونی در معرض فرصت‌های یادگیری نامحدودی قرار دارند، معمولاً این واژه ترکیبی، جایگزین عنوان مدارس و کلاس‌های درس سنتی می‌شود که پیوندهای محدود و کنترل‌شده‌ای دارند. بعضی از پژوهشگران تربیتی معتقدند که کیفیت محیط‌های یادگیری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در یادگیری دانش‌آموزان و رشد حرفه‌ای معلمان، از جمله درگیری فعال آن‌ها در آنچه آموزش داده می‌شود، انگیزه آن‌ها برای یادگیری توأم با احساس بهزیستی، تعلق و امنیت شخصی تأثیر دارد. تعامل بزرگسالان با دانش‌آموزان و نحوه تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر نیز ممکن است جنبه‌هایی از یک محیط یادگیری در نظر

گرفته شود.

این تعریف‌ها بر این نکته تأکید دارند که دانش‌آموزان و معلمان در بسته‌های متفاوت به روش‌های مختلف رفتار می‌کنند و یاد می‌گیرند. لذا لازم است مدیران مدارس محیطی یکپارچه و منسجم برای یادگیری خلق کنند تا امکان رشد حرفه‌ای معلمان و توانایی دانش‌آموزان برای یادگیری به بیشترین حد ممکن برسد. بدیهی است که فقط یک محیط یادگیری بهینه وجود ندارد. در واقع، عناصر محیط از این قابلیت برخوردارند که در ترکیب‌های متنوع و متعددی ساماندهی شوند تا تدریس برای معلم جذاب‌تر و یادگیری برای دانش‌آموزان آسان‌تر شود. تجربه نشان می‌دهد که توسعه یک محیط یادگیری این‌چنینی یکی از خلاقانه‌ترین بخش‌های مدیریت مدرسه است.

نقش معلمان در غنی‌سازی محیط یادگیری محوری است لیکن آن‌ها بر همه مؤلفه‌های محیط یادگیری، کنترل کاملی ندارند. دامنه اختیارات و مسئولیت‌های مدیران مدارس، به‌طور عملی فرصت‌های بیشتری را برای تحقق این امر مهم فراهم

کرده است. خلق یک محیط یادگیری، ابزاری ابداعی برای مدیران است و هدف آن تدارک دیدگاهی جامع درباره کلیت بافت تدریس برای یک برنامه درسی خاص، به وسیله یک معلم خاص، با دیدگاهی خاص از یادگیری است. البته گزینش مؤلفه‌ها و اهمیت ادراک شده آن‌ها برای آفرینش محیط یادگیری مؤثر، تا حد زیادی به‌وسیله پدیدارشناسی فردی مدیر مدرسه و عقاید وی درباره دانش، یادگیری و تدریس و ارزشیابی شکل می‌گیرد. در بهترین وضعیت، یک محیط یادگیری غنی‌شده حاصل تعامل و برهم‌کنش دیدگاه‌های مدیر، معلم، دانش‌آموز و سایر گروه‌های ذی‌نفع مدرسه، درباره مؤلفه‌های اصلی و ماهیت ترکیب آن‌هاست. درعین حال، مدیران مدارس لازم است به این نکته توجه کنند که مسئولیت غنی‌سازی محیط یادگیری عملاً باید به خود یادگیرندگان محول شود.

فرایند نفوذ مدیر به محیط یادگیری

پرسش درباره اینکه چه مؤلفه‌هایی باید به محیط یادگیری اضافه شوند و چه

عناصر محیط از این
قابلیت برخوردارند که
در ترکیب‌های متنوع
و متعددی ساماندهی
شوند تا تدریس برای
معلم جذاب‌تر و یادگیری
برای دانش‌آموزان
آسان‌تر شود

خود به بهبود عملکرد را نشان می‌دهند. یک محیط یادگیری موفقیت‌آمیز مستلزم آشکارسازی و ابراز تعهد هر یک از دانش‌آموزان، قبل از ارائه هر محتوای یادگیری است.

● چالش دانش‌آموزان

یادگیری تحولی مستلزم برقراری تعادل بین چالش و حمایت است. این وسوسه همواره در مربیانی مشاهده می‌شود که از طریق حمایت‌های مضاعف و افراطی، استقلال رفتاری دانش‌آموزان را تنزل می‌دهند. درحالی‌که در یک محیط یادگیری توفیق‌آمیز، حضور توأم حمایت و چالش منجر به توسعه ظرفیت‌های نهفته دانش‌آموزان می‌شود و آن‌ها را به سطح خودرشددهندگی ارتقا می‌دهد.

● تعیین انتظارات روشن و متعالی

به‌طور کلی، معلمان و دانش‌آموزان در سقف انتظارات تعیین‌شده عمل می‌کنند؛ بنابراین، مهم است که با چالش سطوح بالای انتظار درگیر شوند یا انتظارات به نحوی تعیین گردند که خود معلمان و دانش‌آموزان قادر به تنظیم آن‌ها باشند.

● تشویق ریسک‌پذیری

در محیطی که با انتظارات متعالی سازمان‌دهی شده باشد، ظرفیت بالقوه شکست معلمان و دانش‌آموزان در مسیر موفقیت محتمل است. وقتی همه اعضای درگیر در فرایند یادگیری احساس کنند که حتی در مواجهه با شکست‌ها و خطاهای احتمالی همچنان موردحمایت‌اند، آماده مواجهه با ریسک‌هایی می‌شوند که در مسیر یادگیری اصیل احتمال دارد روی دهند.

● جست‌وجوی مستمر

بازخوردهای دانش‌آموزان

گرفتن بازخوردهای عملکردی معلمان و دانش‌آموزان در دوره‌های زمانی مشخص بسیار حیاتی و هدایتگر است. این امر از طریق ایجاد یک موفقیت‌خودارزبابانه، مالکیت محیط یادگیری را به معلمان و دانش‌آموز انتقال می‌دهد.

● اندازه‌گیری و مستندسازی

پیشرفت‌ها و رشد معلمان و دانش‌آموزان

محیط یادگیری مستلزم ثبت و مستندسازی رشد و ردیابی پیشرفت‌های

مؤلفه‌هایی لازم است حذف گردند، یک موضوع مدیریتی در بحث فرایند نفوذ به محیط یادگیری است. این پرسش‌ها به‌ویژه، هنگامی مهم‌تر می‌شوند که صحبت درباره مؤلفه‌هایی است که تحت کنترل مدیران و معلمان مدارس نیستند. مدیران مدارس به‌خوبی درک می‌کنند که مدرسه چیزی فراتر از تعدادی کلاس درس مجهز به میز و صندلی و تخته نوشتن و سایر ابزارهای فناوریانه مرتبط است. مدرسه فراتر از این موارد، متشکل از جمعی از اندیشه‌ورزان، ارتباط‌گران، مشارکت‌کنندگان، و آفرینندگانی است که از این ابزارها و منابع استفاده می‌کنند تا بتوانند اطلاعات را سازماندهی، ترکیب و تسهیم کنند و به آن‌ها هویت بخشند. مدیر، معلم، دانش‌آموز، فعالیت‌ها و منابع، همه عناصری فعال برای خلق یک محیط یادگیری معتبر هستند. نقش اولیه مدیر مدرسه، تسهیل یادگیری از طریق تنظیم مؤثر اطلاعات و منابع در متن مدرسه است. در این شرایط، یادگیری به‌نوعی توسعه دانش، مهارت، نگرش و ارزش‌های جدید است. در این تعریف، یادگیری یک پدیده فرهنگی متکی بر شرایط اقتصادی اجتماعی است و یادگیری معتبر مستلزم پیوند دانش‌آموزان با محیط‌های واقعی است.

مدیران مدارس به‌عنوان رهبران آموزشی مسئولیت نفوذ در محیط یادگیری را دارند. هدف از نفوذ به محیط یادگیری، غنی‌سازی آن است. یک محیط یادگیری غنی‌شده از طریق تمرکز بر چهار بعد محیطی^۱ توسعه می‌یابد:

● تمرکز بر معنا

یادگیری معنی‌دار، رشد عملکرد، و خلق حلقه فرایند/ فرآورده، فضای یادگیری را تغییر می‌دهد. افزودن معنا به بافت و دست‌کاری محیط از الزامات یادگیری معنادار است. معنادارسازی فعالیت‌های مدرسه‌ای از زیربنایی‌ترین مسئولیت‌های مدیران مدارس است.

● حمایت‌های فردی شده

همسوسازی هر فرد با استعدادها و توانایی‌ها، ایمن‌سازی محیط برای ریسک‌پذیری، همسویی با ارزش‌ها و علایق فردی، وجود فرصت‌هایی برای

رشد حرفه‌ای، و بازخورددهی، مؤلفه‌های اصلی حمایت‌های فردی جهت غنی‌سازی محیط یادگیری هستند.

● ساختارهای فردی شده

معیارهای عملکردی واضح، قلمرو، جدول‌های کاری، چالش و منابع واضح و مشخص برای هر فرد از معیارهای مهم برای غنی‌سازی محیط یادگیری هستند.

● مشارکت مبتنی بر ارزش افزوده

حمایت از یکدیگر، کاربست فعالیت‌های مؤثر مانند سنجش و تحقق اهداف در غنی‌سازی محیط یادگیری مؤثرند.

● اصول استقرار یک محیط یادگیری باکیفیت

● استقرار درجه بالایی از اعتماد و احترام بین دانش‌آموزان و معلمان:

اعتماد و احترام متقابل شرط تحقق یادگیری اصیل و پایدار است. از این منظر، یک محیط یادگیری موفقیت‌آمیز ترکیبی از یادگیرنده محوری، دانش‌محوری، سنجش‌محوری و جامعه‌محوری باشد. پیچیدگی‌های نظام فکری و عملی یک مدیر مدرسه، در خلق و بهینه‌سازی چنین ترکیبی آشکار می‌شود.

● اطمینان از تعهد یادگیرنده و مربی به موفقیت یادگیرنده

یادگیرنده برای مقاومت در برابر شکست‌های احتمالی، باید به تعهد مربی خود به موفقیتش اطمینان داشته باشد. در مقابل، معلمی که به سرمایه‌گذاری روی دانش‌آموز بی‌انگیزه تمایلی ندارد، در آغاز فرایند یادگیری لازم است به این امر متعهد شود.

● درگیر شدن زود هنگام دانش‌آموز در فرایند یادگیری

دانش‌آموزان با راهبردهای مختلفی تعهد

مدیران مدارس لازم است به این نکته توجه کنند که مسئولیت غنی‌سازی محیط یادگیری عملاً باید به خود یادگیرندگان محول شود

بتوانند پیشرفتشان را پایش کنند. از سوی دیگر، ارزشیابی در موقعیتی به کار گرفته می‌شود که هم دانش‌آموزان و هم معلمان با چالش سطوح بالای پیشرفت مواجه می‌شوند.

به‌طور ایده‌آل، این دو فرایند در متن اصلی دوره‌های آموزشی بافته می‌شوند و به‌تناسب، مشارکت‌ها را برای رشد بیشتر برمی‌انگیزاند.

چه کسی می‌تواند چه دوره‌های را تدریس کند؟

یک روال مرسوم در بسیاری از مدارس این است که معلمان باکیفیت در پایه‌های بالاتر تدریس می‌کنند یا تدریس درس‌های پیشرفته‌تر را به عهده می‌گیرند. پژوهش‌های اخیر این اندیشه را مورد تردید قرار داده‌اند و بر آن‌اند که اختصاص دادن مربیان مجرب برای تدریس دروس پایه و مقدماتی، نرخ نگهداری دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد، یک جامعه کارکردی کامل خلق می‌کند و موفقیت دانش‌آموزان را بهبود می‌بخشد.

مهارت‌های محیط یادگیری باکیفیت

اصولی که به آن‌ها اشاره شد، لازمه یک محیط یادگیری باکیفیت‌اند اما مشارکت‌کنندگان در این فرایند لازم است مهارت‌های زیر را نیز برای پایش اثربخشی محیط و تداوم فعالیت تا بهبود آن دنبال کنند.

• ریسک‌پذیری

اعتمادبه‌نفس برای قرار دادن خود در محیط‌های چالش‌برانگیز، به سطح فزاینده‌ای از عملکرد و احتمال شکست نیاز دارند.

• پایبندی به اصول اعتقادی و پیروی از اعتقادات

عملکرد مداوم و رفتار مستمر بر اساس عقاید شخصی موجب ایجاد اعتماد می‌شود که خود یکی از مؤلفه‌های محیط یادگیری است.

• احترام‌گذاری

احساس افتخار و ابراز تکریم به دیگران در محیط یادگیری و توجه به ویژگی‌های

محقق شده است. دانش‌آموزان نیاز دارند که از بهبود یا نزول عملکرد خود با شواهد عینی مطلع شوند و در غیر این صورت، انگیزه خود برای سخت‌کوشی و کار کیفی را از دست می‌دهند.

• خلق یک فضای یادگیری مشارکتی

فضای یادگیری گسترده‌تر از آن است که تحت کنترل کامل مدیر مدرسه و معلمان باشد، لیکن بسیار مهم است که ساکنان مدرسه، تصویری ایده‌آل و مشارکتی از فضای یادگیری مطلوب و آرمانی خود داشته باشند.

• ایجاد تعادل بین ساخت‌دهی و انعطاف‌پذیری

یک محیط یادگیری ایده‌آل، محیطی است که خوب سازمان‌دهی و درک شده باشد و نیز منعطف و پاسخگو نسبت به نیازهای تغییر باشد. این هدف به‌نوعی حمایت و تشویق یک جریان رها از پیروی و تقلید در میان دانش‌آموزان، مربیان و سایر افراد درگیر در فرایند یادگیری و توسعه تعامل پویاست.

• مسائل مربوط به یک محیط یادگیری باکیفیت

اصول زیر هنگام شناسایی مسائل مربوط به محیط‌های یادگیری، که در ادامه معرفی شده‌اند، کمک‌کننده هستند.

• انتقال مالکیت و مسئولیت یادگیری به دانش‌آموز

درحالی‌که معمولاً مربیان تمایل دارند که دانش‌آموزان مستقل‌تر و یادگیرندگانی خودراهر باشند، بسیاری از دانش‌آموزان در عمل، در یادگیری غیرفعال‌اند، به آن اشتیاقی ندارند و دلشان می‌خواهد که مربیان، مستقیماً روند یادگیری آن‌ها را هدایت کنند. محیط یادگیری باکیفیت بر تمرکز یادگیرندگان بر اوج عملکرد، تعیین اهداف یادگیری فردی و بازتاب آن بر عملکرد یادگیری جهت پیشینه‌سازی یادگیری و رشد یادگیرندگان استوار است.

• برانگیختن دانش‌آموزان

بسیاری از معلمان معتقدند که دانش‌آموزان مراقب یادگیری‌های خود

نیستند و معمولاً به این امر تعهدی ندارند. این نوع نگرش امکان دارد روحیه همکاران را تضعیف کند و به تنزل و کاهش ارزش‌های محیط یادگیری منجر شود.

• گوناگونی یادگیرندگان

دانش‌آموزان امروزی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای متنوع‌اند و یافتن دانش‌آموزان سنتی همگون دشوار است. هدف اصلی خلق و توسعه محیط یادگیری، استقرار فرهنگی بر مبنای انتظارات، چالش‌ها و ریسک‌پذیری است تا امکان حمایت از رشد یادگیری نسل متنوع دانش‌آموزان مهیا گردد.

• نگرش‌های مدیریتی نسبت به ارزشمندی محیط‌های یادگیری

خلق یک محیط یادگیری باکیفیت، اغلب نیازمند منابع و پشتیبانی‌هایی است که فقط مدیران می‌توانند آن‌ها را مهیا سازند. نبود این حمایت مدیریتی می‌تواند انگیزه‌های معلمان را دچار فرسایش کند.

• آمادگی مستمر دانش‌آموزان برای حضور در کلاس درس

اگر دانش‌آموزان برای حضور در کلاس آماده نباشند، حتی بهترین محیط‌های یادگیری هم بی‌اثر می‌شوند. بنابراین، بسیار مهم است که در محیط یادگیری روشی برای بازبینی سطح آمادگی‌های دانش‌آموزان پیش‌بینی شود.

• خلق فرهنگ سنجش در محیط یادگیری

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، محیط یادگیری باعث حفظ تعادل بین حمایت و چالش می‌شود. سنجش، اغلب برای کمک به دانش‌آموزانی است که با یادگیری موارد درسی خود در جدال‌اند. این امر باعث می‌شود که دانش‌آموزان

مختلفی که برای دیگران اهمیت دارند، از الزامات محیط یادگیری است. بدون احترام متقابل، خلاقیت محدود می‌شود، افراد از خطرپذیری اجتناب می‌کنند و در نهایت سطح مشارکت باکیفیت به شدت کاهش می‌یابد.

● تعهد به دیگران

تعهد به اینکه در محیط یادگیری، افراد نه تنها برای سعادت و موفقیت خود بلکه برای دیگران هم تلاش کنند.

ارزش‌گذاری فرایندها

ارزش‌گذاری برای روش‌های مورد استفاده در کارها، در مقابل صرف ارزش‌گذاری برای اتمام یک کار قرار دارد. به بیان دیگر، بدون اینکه دانش‌آموزان و معلمان ارزش روش‌های مورد استفاده (مانند اشتراک‌گذاری، مشارکت کردن و ارزیابی کردن کار خود و دیگران) را درک کنند و آشکارا در کاربرد آن‌ها درگیر شوند، تحقق یادگیری‌های اصیل و معتبر دشوار خواهد بود.

● نشانه‌های یک محیط یادگیری باکیفیت

در یک مطالعه، مشخصه‌های مندرج در جدول زیر برای محیط یادگیری غنی شده شناسایی گردیده‌اند:

● زمینه‌های حمایت‌کننده محیط یادگیری باکیفیت

هرچند همه یادگیری‌های دانش‌آموزان

نیازمند یک محیط حمایتی است، مدیرانی که در تلاش برای ساخت یک محیط یادگیری باکیفیت‌اند، نقطه کانونی را باید بر دانش‌آموزان سال اول معطوف کنند. معمولاً دانش‌آموزان نوبا فاقد اعتمادبه‌نفس تحصیلی، عادت‌های مطالعاتی مطلوب، و توانایی کار مؤثر با یکدیگر هستند.

تا زمانی که در این دانش‌آموزان احساس حمایت شدن، مورد احترام قرار گرفتن، و توانایی ریسک‌پذیری تحصیلی درون‌سازی نشود، احتمال یادگیری عمیق محتوا تا حد زیادی کاهش می‌یابد. بهبود معنی‌دار مهارت‌های یادگیری و آشنایی با همه مراحل سنجش می‌تواند هدفی ارزشمند برای دانش‌آموزانی باشد که جدیداً یک دوره تحصیلی را آغاز کرده‌اند.

به محض اینکه محیط یادگیری به خوبی در پایه‌های اولیه یک دوره تحصیلی مستقر می‌شود، بازآفرینی آن در سایر پایه‌ها آسان‌تر خواهد بود. بنابراین، بسیار ضروری است که مدیران مدارس - به‌عنوان راهبران برنامه - به معلمان کمک کنند تا فعالانه در این محیط سهیم شوند. محیط یادگیری نوعی مرکز مهارت‌های تحصیلی است که با کلاس‌هایی که صرفاً مبتنی بر تعامل‌های یک‌به‌یک دانش‌آموزان و معلمان‌اند، تفاوت دارد. بنابراین، ضروری است از همان ابتدا برای هر دانش‌آموز یک محیط یادگیری مثبت استقرار یابد. شاید بزرگ‌ترین چالش خلق یک محیط

یادگیری باکیفیت در یک مدرسه، نحوه مواجهه با معلمان است. مدیرانی که بر برنامه توسعه حرفه‌ای معلمان تأکید دارند، از آن‌ها می‌خواهند که در قالب یک گروه در خلق محیط یادگیری باکیفیت مشارکت کنند. این امر به‌ویژه معلمانی را که برای خدمت در چنین شرایطی آماده نشده باشند، جرئتمند می‌سازد.

● کلام آخر

درباره خلق محیط‌های یادگیری باکیفیت و غنی‌شده آثار پژوهشی گسترده و ارزشمندی، توأم با شواهد تجربی معتبر در دسترس است لیکن درباره رویکرد ترجیحی در خلق و مدیریت چنین محیطی کمتر سخن گفته شده است. درواقع، محیط‌های یادگیری می‌توانند با رویکرد یادگیری گسترده و با یادگیری عمیق توسعه یابند. در محیط یادگیری با رویکرد یادگیری‌های گسترده، عمق یادگیری، اولویت اول نیست بلکه بسط و گسترش تجارب یادگیری در وسعت زندگی واقعی و عمومی اهمیت دارد. در مقابل، در محیط‌های یادگیری با رویکرد به یادگیری‌های عمیق، ژرفا و اصالت یادگیری در اولویت قرار دارد. فرا تحلیل‌ها نشان می‌دهند. عمده کسانی که بر استفاده از سازه محیط یادگیری تأکید دارند، معمولاً به یادگیری عمیق علاقه نشان می‌دهند و اساساً تفکر درباره عمق یادگیری را نوعی گرایش خودنمایانه (لاچگری) تلقی می‌کنند اما در رویکرد یادگیری عمیق، قرار گرفتن در متن تجربه، حس نوعی یادگیری منحصر به فرد و اصیل و لذت ناشی از این تجربه، مهم‌تر از یادگیری عمومی محسوب می‌شوند. هوشیاری مدیران مدارس نسبت به این دو طیف از محیط یادگیری، برای انتخاب فرایند غنی‌سازی چنین محیطی مهم است.

منابع

1. <http://www.edglossary.org/learning-environment/>
2. Heick, Terry. (2018). Characteristics of A Highly Effective Learning Environment. <http://www.teachthought.com/learning/10-characteristics-of-a-highly-effective-learning-environment/>

نشانه‌های یک محیط یادگیری باکیفیت

دانش‌آموزان بیشتر از معلمان سؤال می‌کنند؛
سؤال کردن از یافتن پاسخ ارزشمندتر ارزیابی می‌شود؛
منابع ایده‌ها بسیار متنوع‌اند؛
مدل‌های یادگیری متنوعی مورد استفاده قرار می‌گیرند؛
کلاس‌های درسی تپه‌ای از معنا به جامعه بزرگ‌تر پیوند می‌خورند و معنی‌دار می‌شوند؛
یادگیری از طریق تنوع معیارها، فردی‌سازی می‌شوند؛
سنجش‌ها مستمر، معتبر، شفاف و فارغ از هر گونه تنبیه است؛
معیارهای موفقیت متنوع، شفاف و با مشارکت و توافق دانش‌آموزان و خانواده‌ها تعیین می‌شوند؛
عادت‌های یادگیری به‌طور مداوم مدل‌سازی می‌شوند؛
فرصت‌های پایدار و خلاق برای عمل و رشد تدارک دیده می‌شود.